

علل و پیامدهای خانه‌گریزی دختران

مقدمه

فرار دختران به عوامل گوناگونی بستگی دارد و حتی گاه ریشه در انحراف فردی دارد. ولی زمانی که خانه مبدل به محیطی ناامن می‌شود، دختران راهی جز فرار نمی‌بینند. ولی این رمیدن، سرآغاز لغزیدن در سراب است، سرابی که غلتیدن در چاه تباهی را با خود به همراه دارد.

امروزه عمده مشکلات نوجوانان و جوانان ناشی از دوستان ناباب و بی‌بند و بار است. وقتی پدر و مادر به نیازهای جسمانی و روانی فرزندان خود بی‌توجه‌اند و نمی‌توانند محبت خود را به طور عینی بروز دهند، فرزند خواه ناخواه، خود را در وادی فراموشی می‌یابد و به فرار روی می‌آورد. از سویی آزادی افسار گسیخته، موجب می‌شود که هر دختری الگویی خاص برای زندگی داشته باشد و براساس همان الگو احتمالاً به فرار روی بیاورد. دختران بد سرپرست و بی‌سرپرست و دختران خانواده‌های مجرم و معتاد و ... با خیال رسیدن به آرامش از خانواده‌های آشوب زده می‌گریزند.

عوامل مختلفی زمینه ساز فرار هستند که در افراد مختلف متفاوت می‌باشد. به عبارت دیگر، درصد تاثیر این عوامل بر افراد، به شرایط زمانی، مکانی، عاطفی، روحی، روانی، خانوادگی فرد بستگی دارد. این عوامل به دو دسته درون فردی و برون فردی تقسیم می‌شوند. عوامل درون فردی به عوامل ژنتیکی، شخصیتی، روحی- روانی، بلوغ و ... تقسیم می‌شود و عوامل برون فردی نیز به عوامل خانوادگی، تربیتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی تقسیم می‌شود.

براساس گزارش‌های مراکز نگهداری و مشاهده‌های عینی محققان، شمار قابل توجهی از دختران فراری، دچار اختلال‌های شدید عاطفی- هیجانی، افسردگی‌های روحی، عقب ماندگی ذهنی، وسواس و اضطراب‌های شدید هستند. لازم به ذکر است این قبیل اختلال‌ها در والدین آنها هم دیده شده است. از این میان، دو عامل شخصیتی و روحی- روانی، چنان درهم آمیخته‌اند که به راحتی نمی‌توان آن‌ها را از هم جدا کرد. گاه می‌شود که عده‌ای از روانشناسان یک اختلال یا ناهنجاری را در ردیف اختلال‌های شخصیتی و عده‌ای همان مورد را جزء اختلالات روانی به حساب می‌آورند.

از عوامل مهم برون فردی خانه‌گریزی دختران، خانواده است. اساساً خانواده پیکره اصلی جامعه است و آینده‌سازان فردای جامعه در خانواده پرورش می‌یابند. در واقع خانواده باغی است که فرزندان، نهال‌های جوان و تازه آن هستند و اگر شرایط در این باغ مناسب باشد، این نهال‌ها به خوبی رشد می‌کنند

از عوامل مهم برون فردی خانه‌گریزی دختران، خانواده است. اساساً خانواده پیکره اصلی جامعه است و آینده سازان فردای جامعه در خانواده پرورش می‌یابند. در واقع خانواده باغی است که فرزندان، نهال‌های جوان و تازه آن هستند و اگر شرایط در این باغ مناسب باشد، این نهال‌ها به خوبی رشد می‌کنند و درختان تناوری خواهند شد، ولی اگر سیلی ویران‌گر، این باغ را به هم ریزد، در این صورت، نخستین چیزی که از بین می‌رود، همان نهال‌های نوپا هستند.

به عقیده تعداد زیادی از جامعه‌شناسان و روانشناسان، یکی از مهم‌ترین عوامل خانه‌گریزی جوانان و نوجوانان سلب آرامش روانی و عاطفی آنان، در محیط خانه و خانواده است. وقتی فرزند در موقعیتی قرار می‌گیرد که احساس امنیت و آرامش خود را از دست می‌دهد، بی‌شک دچار مشکل می‌شود. اگر در خانه، ارتباط یکی از اعضا با دیگر اعضای خانواده سالم نباشد، این ناهنجاری ارتباطی و رفتاری، در دیگران نیز تاثیر منفی خواهد داشت. این تاثیر منفی، هنگامی بیشتر می‌شود که میان دو رکن اصلی خانواده، یعنی پدر و مادر مشکل ایجاد شود. از دیگر عوامل خانه‌گریزی دختران، می‌توان به عوامل اجتماعی و فرهنگی اشاره نمود. هر اجتماعی، دارای ناهنجاری‌ها و ناهنجاری‌های مختص به خود می‌باشد و بی‌شک، افراد این اجتماع، نمی‌توانند از تاثیرات محیط خود بر کنار بمانند. در این میان تأثیرپذیری جوانان و نوجوانان به مراتب بیشتر از بزرگسالان است؛ چرا که آنان، هنوز هویت فرهنگی خود را کاملاً بازشناسی نکرده و شخصیتشان به ثبات و تکمال نرسیده است. بنابراین ارزش‌ها و ضدازش‌های جامعه، باید کاملاً در مسیری باشد که جوان و نوجوان را برای یافتن هویت واقعی مذهبی و ملی خود یاری‌رسانند. مسایلی چون پایین بودن سطح سواد و فرهنگ در خانواده، سطح تحصیلات دختران فراری، میزان آگاهی و پایبندی به موازین اسلامی و شرعی، آداب و رسوم قومی، میزان خردورزی والدین، از جمله عوامل اجتماعی و فرهنگی هستند.

بعد اقتصادی، از دیگر عوامل مهم در خانه‌گریزی دختران می‌باشد. ضعف مالی و کمبود اقتصادی در خانواده سبب جلوگیری از رشد فردی در تمام زمینه‌های جسمی، روحی- روانی، فرهنگی، اجتماعی، علمی و ... می‌شود و پیشرفت فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهند. موارد زیادی از ترک تحصیل‌ها، کار در سنین کم، دزدی کودکان، سوء استفاده از نوجوان و فرار از خانه به سبب وجود فقر و تهی دستی در خانواده‌هاست. نوجوانی که از یک سو به سبب کمبودهای اقتصادی به آرزوهایش نرسیده و از سوی دیگر، به سبب نداشتن امکانات برای رشد فکری و فرهنگی، فردی کوتاه فکر و ساده‌باز آمده است، قدرت تجزیه و تحلیل ضعیف تری نسبت به دیگر همسالان خود دارد و با اندک وعده ای حاضر می‌شود، دست به هر کاری بزند. به طور کلی به نظر می‌رسد که فرار دختران در خانواده‌های فقیر، بیش از خانواده‌های ثروتمند است. آثار و پیامدهای خانه‌گریزی دختران را می‌توان به آثار و آسیب‌های خانه‌گریزی بر فرد، آثار و آسیب‌های خانه‌گریزی بر خانواده و آثار و آسیب‌های خانه‌گریزی بر جامعه تقسیم کرد. تمامی افراد جامعه و نهادهای اجتماعی، از پیامدهای گوناگون این پدیده، متأثر خواهند شد و علاوه بر تأثیر، بازخوردهایی را نیز ارائه می‌دهند. بنابراین، این پدیده به صورت تعامل دو سویه، هم در تغییر و تحولات اجتماع نقش دارد و هم خود از اجتماع اثر می‌پذیرد.

برای پیشگیری از خانه‌گریزی دختران پیشنهاد و راهکارهای ذیل ارائه می‌گردد:

- ۱- بالا بردن سطح آگاهی و شناخت خانواده‌ها درباره وظایف خودشان نسبت به فرزندان.
- ۲- افزایش سطح اطلاعات دختران و نوجوانان و جوانان به وسیله رسانه‌های جمعی با هدف اطلاع‌رسانی و آموزش‌های سازنده، هویت‌دهی و ایجاد شخصیت، فرهنگ‌سازی و الگودهی.
- ۳- توجه به دختران فراری به عنوان یک بیمار نه یک مجرم.
- ۴- ایجاد امکانات و شرایط لازم برای نگهداری و درمان این افراد.
- ۵- ایجاد مراکز مشاوره خانواده در هر محله (مثلاً مساجد) و رواج فرهنگ مراجعه به این مراکز از سوی صدا و سیما و مطبوعات.
- ۶- تقویت پایه‌های مذهبی و اعتقادی در رسانه‌های جمعی.
- ۷- تأمین مسایل اقتصادی، فرهنگی، عاطفی و تفریحی، برای پر کردن اوقات فراغت نوجوانان و جوانان.

منابع

دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، تهران، ۱۳۷۵.
ریبال اتکنیسون و همکاران، زمینه روانشناسی هیلگارد، ترجمه محمدنقی براهنی، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۸۰.

ضعف مالی و کمبود اقتصادی در خانواده سبب جلوگیری از رشد فردی در تمام زمینه‌های جسمی، روحی- روانی، فرهنگی، اجتماعی، علمی و ... می‌شود و پیشرفت فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

